

در متن و حاشیه اولین سفر خارجی مسعود پزشکیان به عراق چه گذشت
**دیپلماسی، صداقت
زیارت و دیگران**



فرهنگ

**فصل سوم «زخم کاری» بدون هیچ نشانه‌ای از مهدویان متقدم تمام شد
چرا کارگردان مستعد به اینجا رسید؟**

زخم بازار

**دیوان عالی هم
در پرونده زیتون
به نفع «فرهیختگان» رای داد**

دیوان عالی کشور، حکم شعبه نهم دادگاه کیفری یک تهران در تیرماه روزنامه «فرهیختگان»، مدیرمسئول و نویسنده گزارش درباره تخلفات در فرایند تغییر کاربری مجتمع گردشگری زیتون را تأیید کرد. ریشه این پرونده به ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۰ بازمی‌گردد که روزنامه «فرهیختگان» در گزارشی با عنوان «فساد ۷۰ هکتاری در کیلومتر ۱۷» به تخلفات گسترده در فرایند تغییر کاربری یک زمین کشاورزی به مجتمع گردشگری (مجتمع گردشگری زیتون) پرداخت. در واکنش به این گزارش، زیتون بلافاصله جوابیه‌ای حاوی الفاظ توهم‌آمیز برای انتشار در روزنامه ارسال کرد. با توجه به موارد مطرح شده از سوی زیتون، «فرهیختگان» در ۱۸ فوروردین ۱۴۰۱ در کنار جوابیه، گزارشی با عنوان «اصرار بر فساد در کیلومتر ۱۷» را منتشر کرد. این گزارش نیز با جوابیه دومی از سوی مجتمع زیتون همراه شد. با توجه به اینکه در این جوابیه نیز موارد جدیدی طرح شده بود، «فرهیختگان» همزمان با انتشار جوابیه، در ۲۴ فوروردین ماه گزارش «آقای ط!» درباره تغییر کاربری نظری ندارد» را منتشر کرد.

۱- صدور منع تعقیب در دادسرای رسانه
همزمان مدیران مجتمع زیتون با درخواست از افرادی که ادعا می‌شد سهامداران این مجتمع‌اند، شکایات‌های متعددی علیه «فرهیختگان»، مدیرمسئول و خبرنگاران ثبت کردند. این اتهامات دایره وسیعی را شامل می‌شد: ۱- هجو، ۲- افترا، ۳- انتشار تهمت، افترا، فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهم‌آمیز و...، ۴- انتشار مطالبی مشتمل بر تهدید به هتک شرف یا حیثیت یا افشای اسرار شخصی، ۵- نشر اکاذیب، ۶- جعل و استفاده از سند مجعول، جریحه‌دار کردن افکار عمومی، ۷- اخلاق در نظم و آسایش عمومی، ۸- توهمین به اشخاص عادی، ۹- انتشار اکاذیب از طریق رایانه، ۱۰- یک بررسی سرانگشتی نشان می‌دهد در این پرونده حداقل ۴۱ شکایت علیه «فرهیختگان» ثبت شده است. متعاقب این شکایات، عوامل زیتون شکایات‌هایی را در قم علیه نویسنده گزارش با عناوین اتهامی عمدتاً تانکراری «افشای اسرار در غیر موارد قانونی توسط اشخاصی که به مناسبت شغل یا حرفه خود مجرم اسرار می‌شوند در غیر موارد قانونی و افشای اسرار مردم در غیر موردی که قانون تجویز کرده است و انتشار محتوای مجرمانه در رسانه‌ها و مطبوعات منتهی به هتک حرمت اشخاص و انتشار مطالبی مشتمل بر تهدید به هتک شرف یا حیثیت یا افشای اسرار شخصی و ورود به ملک غیر با قهر و غلبه یا توقف در آن با قهر و غلبه» در قم ثبت کردند.

شکایت مالک زیتون و ۴۰ هم‌راهش در شعبه ۱۶ دادسرای فرهنگ و رسانه مورد رسیدگی قرار گرفت و پس از اخذ دفاعیات، لوابیح و اسناد «فرهیختگان» که اصالت آن از سوی مراجع ذی‌ربط تأیید شده بود، دادسرای رسانه در ۱۵ شهریور ۱۴۰۱ «قرار منع تعقیب» صادر کرد. ادامه در صفحه ۲

روزی ترسناک ایزدیسپیون به روایت فائزه

چرا تصویری که هاشمی از خشونت رادیکال‌ها ارائه می‌دهد، مهم است

آفت سلبریتیسم از تهران تا واشنگتن

شهره‌های هالیوودی از کاملاً هریس را می‌توان در دسته دوم قرار داد. افرادی مثل رابرت دنیرو به سبب جایگاه مهمش در آثار موج نو هالیوود و تیلور سوئیفت در قامت یک خواننده و موزیسین ژانر پاپ و کانتری که به عنوان یک زن، مدلی از جدایت‌های ظاهری و جنسی را به جامعه هدف خویش ارائه می‌دهد، هریک سهم ویژه‌ای در پر شدن سید رای نامزدها برعهده می‌گیرند. اما این شامل‌های و نمادهای صنعت سرگرمی تنها به واسطه توانمندی‌های خویش روی صحنه ظاهر نشده‌اند، بلکه آنها خود نتیجه رسانه‌ای شدن تمام شئون زندگی انسان امروزی به حساب می‌آیند. در واقع سلبریتی بر ساخت رسانه است و این دو به کمک یکدیگر وقوع سیاست را به تأخیر می‌اندازند یا در بهترین حالت تصمیمات مهم را به مسائلی پیش پا افتاده و حاشیه‌ای بدل می‌کنند. شاید اگر مردم اوکراین، ژنسیک شومن را به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب نمی‌کردند وضعیت‌شان به بدی امروز نبود. سلبریتیسم برخلاف ظاهر جذابش، باطن نگران‌کننده‌ای دارد و به مثابه اسب تروای مصرف‌گرایی جنبه‌های مختلف زندگی انسان نظیر مدل‌سرگرمی، امنیت و سیاست را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۱- آیا سلبریتیسم پدیده خطرناکی است؟
ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که «شخصیت فردی سیاستمداران» در مقایسه با برنامه‌مدون احزاب برای اداره امور مختلف از رجحیت بیشتری برخوردار است و در چنین میزانشی «زدن بون» ترامپ از یک طرف و «زن بودن» کاملاً هریس از سوی دیگر به ملاک‌های مهمی برای انتخاب رئیس‌جمهور آمریکا بدل شده‌اند. سلبریتی‌ها و رسانه‌هایی نظیر اینستاگرام، ایکس، فیسبوک و... نیز نقش ویژه‌ای در برهم زدن مناسبات ایفا می‌کنند و بیش از هر زمان دیگری عرصه سیاست را به سمت نمایشی شدن سوق می‌دهند؛ از آثار مخدوش شدن عملکرد احزاب و عدم اطمینان عمومی به شیوه کارکرد آنها می‌توان به بیرون آمدن نام ترامپ از آرای اکثرال در سال ۲۰۱۶ اشاره کرد. شاید بسیاری اینگونه فکر کنند که این شخص ضد جریان اصلی سیاست در آمریکا قدم برداشته است و به همین دلیل در سال ۲۰۲۰ قافیه را به بایدن باخت و اکنون هم شرایط مساعدی در مواجهه با هریس ندارد ولی این فقط ظاهر قضیه است. سلبریتی‌ها در روزی کار آمدن بایدن، هریس و اوپاما نقش داشتند، ولی افرادی همچون ترامپ و ژنسیک پیش از این «سلبریتی» بودند و از راه ایجاد جنجال کاسی شان را نمایندگی می‌کردند و الگوی موفقیت رادر ذهن افراد جامی انداختند. ولی باز با این حال شرایط آنقدر وخیم نیست که قافیه را به سلبریتی‌ها جماعت از پیش ساخته تصور کنیم. تا زمانی که مردم به عنوان فاعل شناسا در امر سیاست حضور دارند و فرمان سیاستگذاری در دنیا به‌طور کامل دست این افراد نیفتاده است، می‌توان به آینده امیدوار بود. رسانه‌های جریان اصلی در دنیا و سلبریتی‌ها فقط پیش از هر چیز به مصرف ایده خود می‌اندیشند و به «انسان» در مقام خریدار ایده‌ها احتیاج مبرم دارند. این علت تامه‌ای است که سپردن فرمان اداره امور به دیوانگان و مجرمان را برای مدتی طولانی به تأخیر می‌اندازد و موجودیت زمین را از یک تهدید امنیتی نجات می‌دهد.

ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ
پس از برگزاری مناظره تلویزیونی ترامپ و کاملاً هریس در فیلادلفیا، تیلور سوئیفت به عنوان یکی از مشهورترین خوانندگان موسیقی پاپ و کانتری در اینستاگرام اعلام کرد که از نامزد مورد حمایت دموکرات‌ها در انتخابات پیش رو حمایت می‌کند. کارکرد سلبریتی‌هایی همچون تیلور سوئیفت، جرج کلونی، آنجلینا جولی و... در زمین بازی سیاست چیست؟ این افراد قرار است چه ایده و تفکری را نمایندگی کنند؟ آیا حضور آنها در صحنه سیاست نگران‌کننده است یا امری علی‌السویه محسوب می‌شود؟

۲- فرهنگ شهرت، قواعد بازی را به هم می‌ریزد
سلبریتی نماینده تمام و تمام تفکری است که فرد محوری را چراغ راه خود قرار می‌دهد و تولدش هم برخلاف نظر بسیاری از مردم عادی به دوره حاضر برنمی‌گردد، بلکه تاریخی کم و بیش یکسان با اولین آثار سرمایه‌داری صنعتی دارد. با تحول صنعت چاپ و مطرح شدن سینما در قامت یک صنعت پولساز، شهره‌ها زپس برده به متن تصاویر کوچ کردند و تبدیل به یکی از محرک‌های اصلی مصرف‌گرایی شدند. این جریان در سال‌های میانی قرن بیستم آنقدر پیش رفت که زمین بازی سیاست را نیز تحت تأثیر خود قرار داد و حتی روزانه رینگان بازیگر را پس از سال‌ها حضور در عرصه نمایش برای حضور در کاخ سفید به صرافت انداخت. فرهنگ شهرت به عنوان مقوله‌ای ارزشمند در میان شهروندان آمریکایی جا افتاده بود و از امر سیاسی و سیاست به مثابه یک اتفاق روزمره آشنایی‌زایی می‌کرد. دیگر قرار نبود که دولت در مشت سیاستمداران سنتی و عاصورت داده‌ها باقی بماند؛ در واقع فرهنگ شهرت قواعد بازی را به هم ریخته بود.

۳- چرا باید سلبریتیسم را جدی بگیریم
آشنایی با گرامر دنیای مدرن تا حدود زیادی در گروی فهم پدیده سلبریتیسم است. ما در جهانی به سر می‌بریم که هر اتفاقی در آن به کالایی قابل مصرف تبدیل شده است، به طوری که حتی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز از این قاعده مستثنی نیست. سلبریتی با خلاص شدن از قواعد بورکراتیکی که پیش‌تر تنظیم‌کننده روابطش بود و از طریق اثرگذاری بر موضوعات مختلف نوع تفکر شخص محورش را به مردم و بازیگران اصلی در صحنه تحمیل می‌کند. او این کار را به دو طریق انجام می‌دهد: یا با مطرح کردن خویش به عنوان نماینده بخش مهمی از مردم به ساحت سیاست قدم می‌گذارد و یا اینکه اثرگذاری‌اش را از طریق بالابردن محبوبیت یک نامزد در ایام انتخابات به رخ همگان می‌کشد. حمایت



رئیس دانشکده‌های فرهنگ و تمدن دانشگاه آزاد:
**طراحی رشته‌های جدید
با مشارکت گروه‌های کشوری**

**ترامپ از مناظره دوم انصراف داد
شکست از ترامپی‌ترین هریس**

